

مقدمه

شرح در اصطلاح عبارت است از آنچه در توضیح سخن پوشیده‌ای نویسند و نیز به اثری که بدین‌گونه در توضیح مطالب دیگری نوشته شده باشد و فهم آن را برای خواننده آسان‌تر کند شرح گفته می‌شود (انوشه، ۱۳۷۶: ۲/ ۸۶۳).

شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی در دهه‌های گذشته رونق فراوانی داشته و شارحان زیادی با اهداف مختلف به انتشار آثاری دست زده‌اند که در آنها متن کامل یا گزیده‌ای از آثار پیشینیان یا معاصران همراه با توضیحات و تعلیقات چاپ شده است. در میان شارحان، از ادب‌دوستان کم‌مایه گرفته تا پژوهشگران برجسته‌ای همچون قزوینی، فروزانفر، زرین‌کوب، یوسفی و شهیدی وجود دارند.

شرح‌های متون ادبی از مهمترین ابزارهای ترویج ادب فارسی در دوران معاصر به شمار می‌روند که هم در نظام رسمی آموزش دانشگاهی و هم در برنامه‌های اطلاع‌رسانی همگانی برای خوانندگان عام نقش اساسی دارند. امروزه شرح‌ها در فرایند فهم مخاطبان ادبیات، نقش مهمی دارند و بسیاری از مخاطبان به‌ویژه دانشجویان از طریق شرح‌های نوشته‌شده، با متون ادبی ارتباط برقرار می‌کنند و از زاویه نگاه شارحان با شاعران و نویسندگان ادبی آشنا می‌شوند.

شرح‌ها به خوانندگان کمک می‌کنند تا تصاویر خیالی به‌کاررفته در آثار ادبی را بهتر درک نمایند و مشکلات ناشی از تحولات زبانی در ادوار مختلف را که موجب کهنگی زبان آثار ادبی پیشین شده است از سر راه بردارند و به معانی متن و نیت مؤلف نزدیک‌تر شوند. شرح‌ها میان سه عنصر اصلی خوانش یعنی آفریننده اثر، خواننده و متن ادبی واسطه می‌شوند تا هم فهم متن آسان‌تر شود و هم زمینه خوانش‌های جدید از آن فراهم آید.

از این رو، شارح موفق کسی است که بداند متن ادبی چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه فهمیده می‌شود؟ خوانندگان در فهم گونه‌های مختلف متن ادبی چه مراحل را پشت سر می‌گذارند؟ هرکدام از گونه‌های خوانش (همدلانه، خصمانه، خنثی) چه نقشی در فهم و تفسیر متن ادبی ایفا می‌کنند؟ چگونه می‌توان خوانندگان را از حالت انفعالی به‌درآورد و آنان را به فعالیت و کاوشگری واداشت؟ میزان آگاهی خوانندگان و میزان حساسیت عاطفی، علائق، سلاقت، ایدئولوژی و جهان‌بینی آنان چه تأثیری در فهم آثار ادبی دارد؟

تفاوت زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زمانی که متن ادبی در آن خلق شده است با زمینه‌های زمان خوانش متن، چه تأثیری در درک و تفسیر آنها دارد؟ و... .

شرح موفق نیز شرحی است که ساختاری منسجم داشته باشد و هر بخش از آن با توجه به اهداف در نظر گرفته شده، نقشی مؤثر ایفا کند. بدیهی است که بخشی از اهداف شرح از طریق مقدمه‌هایی که بر شروح نوشته می‌شوند تأمین می‌گردد. مقدمه‌ها در صورتی که اصولی و روشمند نگارش یابند موجب می‌شوند تا خوانندگان سریع‌تر با متن ارتباط برقرار کنند و آن را بهتر و آسان‌تر بفهمند. مقدمه‌های خوب اگر تصویری روشن از بینش و منش شاعر یا نویسنده و خصوصیات زبانی و هنری اثر ادبی ارائه نمایند و ذهنیت خواننده را با جهان بینی و دنیای آفریننده اثر پیوند بزنند؛ هم از تکرار مباحث در بخش شرح متن جلوگیری می‌کنند و زمینه‌ساز انسجام آن می‌شوند و هم می‌توانند از مخاطب، خواننده‌ای پویا و مفسری کاوشگر بسازند.

به‌رغم اهمیت بحث مقدمه‌نویسی و لزوم توجه به اصول آن، نگاهی به پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است، غیر از کتاب‌های فرهنگ شرح‌های حافظ از بهادر باقری (۱۳۸۷) و سیری در شروح مثنوی از رضا شجری (۱۳۸۶) که تأکیدشان بر معرفی و تحلیل شرح‌هاست و چند مقاله با عنوان‌های «گزیده‌پردازی، کاستی‌ها، بایسته‌ها» از محمدرضا سنگری (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر ارزیابی گزیده‌های درسی» از محمد غلامرضایی (۱۳۸۵) و «گزیده‌پردازی» از نصرالله امامی (۱۳۷۱)، که در آنها یا به بحث از مقدمه‌نویسی در شروح پرداخته نشده و یا به اشاره‌هایی بسیار کوتاه و گذرا بسنده شده است. همچنین دو پایان‌نامه با عنوان‌های «بررسی دیباچه‌های متون منثور از قرون اولیه تا قرن ۸» (اویسی، ۱۳۸۳) و «بررسی دیباچه و مقدمه متون نثر قرن ۴ تا ۱۰» (کر، ۱۳۷۹) نیز تهیه شده‌اند که تکیه آنها بر بررسی دیباچه آثار ادبی کهن و موضوعات مورد اشاره در آنهاست که موضوعی جداگانه است.

بر این اساس، این مقاله بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی بر اهمیت مقدمه‌نویسی در شروح چاپی متون ادبی تأکید کند؛ مباحث نظری مربوط به چنین مقدمه‌هایی را سامان دهد و با بررسی مقدمه‌هایی که بر شرح‌های چاپ شده نوشته شده‌اند ویژگی‌ها و خصوصیات مقدمه‌های مطلوب را معرفی نماید.

منظور از شرح در این نوشتار هرگونه توضیحی است که برای فهم بهتر آثار ادبی به همراه گزیده یا متن کامل آنها به صورت مکتوب انتشار یافته است، از این رو، هم شامل توضیحات بسیار کوتاه و تعلیقات مختصر برخی از پاورقی نویسان می‌شود و هم شرح‌های مفصل چندجلدی را در بر می‌گیرد.

این نوشتار بخشی از نتایج به دست آمده از تحقیق در سیر تحول شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی است که در آن ابعاد و زوایای مختلف شرح‌های چاپی، بررسی و تحلیل شده است. برای این تحقیق، بیش از ۱۵۰ مورد از شرح‌هایی که از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی تا کنون به چاپ رسیده‌اند مطالعه شد و از آن میان، تنها مشخصات کتاب‌شناختی آن تعداد از شرح‌هایی که در متن مقاله مورد استناد یا استشهاد قرار گرفته‌اند در فهرست منابع ذکر گردید.

پیشینه شرح‌نویسی

شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی سابقه طولانی دارد. پیشینه شرح‌نویسی را باید در حاشیه‌نویسی‌های پیشینیان بر کتاب‌های علمی و ادبی قدیم جستجو کرد، آنان توضیحات، سؤالات، ارزیابی‌ها و تداعی‌های خود را در کنار مطالب کتاب یادداشت می‌کردند، که گاه نیز به سبب اشتباه‌نسخان، بخشی از آنها در نسخه‌برداری‌های بعدی جزء متن اصلی قرار می‌گرفت و به آن افزوده می‌شد.

حاشیه‌نویسی در دوره مورد مطالعه این پژوهش نیز رواج داشته و دارد و برخی از شروحي که امروزه تجدید چاپ می‌شوند در واقع حاشیه‌هایی بودند که مدرسان یا مصححان یک کتاب در کنار متن آن یادداشت کرده‌اند، مانند یادداشت‌های علامه قزوینی در حاشیه دیوان حافظ که بعدها به همان صورت در دیوان حافظ که به تصحیح او و قاسم غنی تهیه شده بود چاپ شد. به علاوه بخش عظیمی از یادداشت‌های قزوینی که به کوشش ایرج افشار به چاپ رسیده است، حواشی او بر کتاب‌هایی است که تصحیح کرده است. شرح مفصل متون ادبی نیز از گذشته‌های دور مورد توجه گروهی از شارحان بوده است، در این میان متونی که موجز بوده‌اند به علت اینکه ظرفیت بیشتری برای تفسیر داشته‌اند بیش از سایر کتاب‌ها شرح شده‌اند، مانند منظومه هزار بیتی گلشن راز از شیخ محمود شبستری که *مفاتیح‌الاعجاز لاهیجی* تنها یکی از چندین شرح قدیمی است که بر آن نوشته شده است.

لازم به یادآوری است، بخش مهمی از شرح‌هایی که بر آثار ادب فارسی نگاشته شده‌اند، متعلق به فارسی‌زبانان سرزمین‌های خارج از ایران است که برای فهم این متون با مشکلات بیشتری مواجه بودند. نگاهی به اسامی تعدادی از شرح‌های *گلستان سعدی* که فقط در هند چاپ شده است نشان می‌دهد که فارسی‌زبانان شبه‌قاره چقدر به شرح‌نویسی متون فارسی توجه داشته‌اند. به‌علاوه از آنجا که انتشار کتاب‌های چاپی در سرزمین هند زودتر از ایران رونق گرفته است بسیاری از قدیمی‌ترین شرح‌های چاپی فارسی، در هند انتشار یافته‌اند. برخی از کتاب‌های شرح *گلستان* از این قرارند: *شکرستان* از ملا سعد پتنه‌ای؛ شرح *گلستان* از محمد غیاث‌الدین جلال‌الدین رامپوری؛ شرح محمد کریم مولتانی؛ شرح *گلستان* از شیخ محمد افضل اله‌آبادی؛ *خیابان گلستان* از سراج‌الدین علی خان آرزو؛ *چمنستان* از سید سراج‌الدین اورنگ‌آبادی؛ *بهارستان* از عبیدالله خویشگی قصوری؛ *بهار باران* از غیاث‌الدین رامپوری (نک. انوشه، ۱۳۷۶: ۱۲/ ۸۶۶ و ۸۶۷).

اما در یکصد سال گذشته، اولین گروه شارحان در ایران، مصححان نسخه‌های خطی بودند که تلاش می‌کردند متنی منقح و نزدیک‌تر به متن اصلی را از آثار ادبی به چاپ برسانند و در اختیار عموم قرار دهند. بسیاری از آنان توضیحاتی در مقدمه، پاورقی و پی‌نوشت کتاب‌ها آورده‌اند که برای خوانندگان در فهم متون راهگشا بود. پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شمسی و راه‌اندازی رشته زبان و ادبیات فارسی که در دهه‌های بعد با تأسیس دانشگاه‌های جدید گسترش پیدا کرد، نیاز به شرح آثار ادبی برای استفاده دانشجویان موجب شد تا گروهی از نسل دوم محققان در این دوره که خود از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها بودند، شروحي بر گزیده‌ها یا متن کامل آثار ادبی مشاهیر ایران تهیه و منتشر نمایند. بدین ترتیب بود که شرح‌نویسی با شکل و شیوه جدید و با اهداف آموزشی خاص، کم‌کم رونق گرفت، تا اینکه در دهه اخیر که با رشد جهشی تعداد دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری روبه‌رو هستیم، شرح‌نویسی بر متون ادبی به‌ویژه تهیه و انتشار گزیده‌هایی از آنها همراه با شرح به اوج خود رسیده است.

البته شرح‌نویسی بر آثار ادبی به متن‌های آموزشی محدود نماند و شمار زیادی از آثار شاعران و نویسندگان درجه دو، حتی بسیاری از آثار ادبی معاصران را نیز شامل شد، زیرا علاوه بر نیاز آموزشی، عوامل دیگری از جمله اقبال عمومی نسبت به برخی از دواوین شاعران و آثار نویسندگان نیز نقش به‌سزایی در گسترش شرح‌نویسی ایفا کردند.

همچنین افزایش سواد عمومی در جامعه ایران و علاقه عموم مردم به مطالعه میراث ادب فارسی را که به منزله گنجینه هویت ملی به شمار می‌آید نباید در رونق و رواج شرح‌نویسی دست‌کم گرفت. درحقیقت خوانندگان عادی در مواجهه با زبان ادبی به کاررفته در آثار هنری، به‌ویژه دواوین شاعران با مشکلات جدی‌تری روبه‌رو می‌شوند و احساس نیازشان به توضیحات راهگشا بیشتر است؛ مخصوصاً در خواندن آثار کهن که وجود واژگان و تعبیرات قدیمی در آنها مانع مهمی در فهم متون به شمار می‌رود.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که اصولاً متون شعری در زبان فارسی بیش از متون ادبی منشور شرح شده‌اند و دو کتاب *مثنوی معنوی* و *دیوان حافظ* از میان متون نظم، و کتاب *گلستان سعدی* از بین متون نثر، بیش از سایر آثار ادبی مورد توجه شارحان قرار گرفته‌اند.

انواع شرح‌ها

شرح‌های متون ادبی در طول زمان، شکل‌ها و گونه‌های مختلفی یافت که آنها را می‌توان از جهات گوناگون طبقه‌بندی کرد. شرح‌ها را از جهت اینکه چه مقدار از یک متن ادبی را در بر می‌گیرند می‌توان به دو دسته شرح کامل و شرح برگزیده متن تقسیم‌بندی کرد. گزیده‌ها نیز انواع مختلفی دارند، در بعضی از آنها فقط قسمت‌های دشوار متن شرح شده‌اند و در گروهی از آنها بخش یا بخش‌هایی از متن ادبی با توجه به علائق و اهداف شارح، برگزیده و شرح شده‌اند. در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان شرح‌ها را از جهت بیان معانی متن و چگونگی گره‌گشایی از ابهامات محتوایی آن به انواع شرح‌های زبانی، تفسیری، تأویلی، موضوعی، بینامتنی و ... تقسیم کرد.

از نگاهی دیگر می‌توان گفت که برخی از شرح‌ها با هدف آموزشی به‌ویژه برای تدریس در دانشگاه‌ها تدوین می‌شوند، برخی دیگر ترویجی‌اند که شارح برای نشر میراث ادبی در بین عموم جامعه آن را تهیه می‌کند و گروهی نیز پژوهشی‌اند که در آنها پژوهشگران آخرین یافته‌های خود را درباره یک متن ادبی در قالب شرح منتشر می‌نمایند.

از جهت مخاطبان با وجود اینکه اکثر شرح‌ها برای دانشجویان تهیه می‌شوند اما شرح‌هایی هم برای طبقات مختلف جامعه از جمله کودکان، جوانان و بزرگسالان نگارش می‌یابند. از نظر حجم شرح‌ها نیز می‌توان آنها را به سه دسته مفصل، مختصر و متوسط تقسیم‌بندی کرد.

پیشینه مقدمه‌نویسی

مقدمه پلی برای دستیابی به محتوای کتاب و دروازه ورود به درون آن است که گاه با نام‌های دیباچه، مدخل و سرآغاز از آن تعبیر می‌شود. مخاطب با خواندن مقدمه با محتوا، گستره و ساختار کتاب و اهداف نویسنده آن آشنا می‌شود. «مقدمه از منطق پا به قلمرو ادبیات نهاد. مقدمه در منطق، آن است که توقف شیء به صورت عقلی یا جعلی، به آن بازگردد و نیز از آن روی که مقدمه اعم از مبادی است؛ مسائل، بی‌واسطه یا باواسطه به آن بازمی‌گردند، مقدمه هر کتاب نیز چنین پیوندی با کتاب دارد» (انوشه، ۱۳۷۶: ۲/۶۰۰).

در گذشته برای مقدمه‌نویسی بر کتاب، شرایط و آدابی قائل بودند. تهانوی در کتاب *کشف اصطلاحات الفنون* می‌نویسد: «قالوا الواجب علی من شرع فی شرح کتاب ما آن يتعرض فی صدره لأشياء قبل الشروع فی المقصود یسمیها قدمات الحکماء الرؤوس الثمانیه» (تهانوی، ۱۸۶۲: ۱۰). آنگاه او هشت ویژگی مقدمه کتاب را که حکمای پیشین از آن به «رؤوس ثمانیه» یاد می‌کردند ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- هدف از تدوین و تحصیل آن علمی که موضوع کتاب است ۲- فائده آن ۳- سمت آن که عبارت از توضیح دادن درباره عنوان کتاب است ۴- معرفی نویسنده ۵- جایگاه آن علم در میان یقینیات یا ظنیات و... ۶- رتبه آن علم در میان انواع علوم ۷- معرفی قسمت‌های گوناگون آن علم ۸- شیوه‌های آموزش آن علم (همان: ۱۰ و ۱۱).

البته مقدمه‌نویسی در کتاب‌های ادبی تا اندازه‌ای متفاوت بود؛ نویسنده در این کتاب‌ها تلاش می‌کرد تا توانایی خود را نیز در نویسندگی به نمایش بگذارد. از این‌رو این‌گونه مقدمه‌ها مانند مقدمه گلستان سعدی ارزش زیبایی‌شناختی دارند.

در یکصدسال گذشته که کتاب‌نویسی رونق فراوان یافت و کتاب‌ها به برکت توسعه صنعت چاپ با شمارگان زیاد در دسترس مخاطبان خود در نقاط جغرافیایی مختلف قرار گرفتند، مقدمه‌ها کارکرد تازه‌تری پیدا کردند و ساختارهای گوناگونی یافتند که در لابه‌لای مباحث این مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

مقدمه‌ها در شرح‌نویسی معاصر

مقدمه از آنجا که اصلی‌ترین دریچه ارتباط نویسنده با خواننده است از ابتدا مورد توجه شارحان متون در دوره مورد مطالعه قرار داشت، اما در طول زمان و بنا به دلایل مختلف

همان‌گونه که شروح و انواع آن تکامل یافتند، مقدمه‌ها نیز دستخوش تغییراتی شدند و شیوهٔ تدوین آنها تغییر کرد.

آثاری که در طول سال‌های متمادی از آغاز نهضت چاپ و شرح متون ادب فارسی منتشر شده‌اند از جهت کیفیت و کمیت مقدمه‌هایشان متفاوت‌اند؛ از آثاری که در مقدمهٔ آنها به اشارهٔ کوتاهی در قالب سخن ناشر، تشکر و سپاس و ... در چند صفحه اکتفا شده، یا آنهایی که تکیهٔ اصلی‌شان بر معرفی نسخه‌های مورد استفاده و ارائهٔ اطلاعات تفصیلی دربارهٔ نسخه‌هاست، تا بسیاری از شروح معاصر که مقدمه‌های مفصل و چندوجهی دارند. آثار گذشته هرچند در بعضی موارد مقدمه‌های مفصلی دارند، ولی سطح علمی آنها اغلب در حد ارائهٔ اطلاعات تاریخی دربارهٔ متن ادبی مورد نظر، آفرینندهٔ اثر، وقایع زندگی و سبک سخن اوست و هرچه از جهت زمانی به عقب برگردیم این ویژگی در مقدمه‌ها آشکارتر است. به‌عنوان مثال علامهٔ قزوینی در سال ۱۳۲۰ق، و در مقدمهٔ *تاریخ جهانگشا*، ۱۴۶ صفحه مقدمه نوشته است. مقدمه‌ای که حدود ۷۰ صفحه از آن به ترجمهٔ حال مصنف کتاب و ۳۵ صفحه به وصف *تاریخ جهانگشا* و خصوصیات نسخه‌های آن اختصاص دارد (نک. جوینی، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۲۳).

گویا شارح در ابتدای دورهٔ مورد مطالعه، بر خود فرض می‌دانسته که در مقدمه به معرفی کامل نویسنده یا شاعر، زندگی، نسب و خاندان او پردازد؛ بدون توجه به اینکه با این کار، مقدمه فقط به فشرده‌ای از اطلاعات تاریخی در مورد آفرینندهٔ اثر تبدیل می‌شود. نمونهٔ دیگر از این نوع مقدمه‌ها که چند سالی پس از تصحیح *تاریخ جهانگشا* چاپ شده است، مقدمهٔ سید حسن تقی‌زاده بر *دیوان ناصر خسرو* است. این مقدمه شامل ۷۰ صفحه است و حدود ۵۰ صفحه از آن زندگی ناصر خسرو و مباحثی چون اسم و رسم و مولد، عهد جوانی و تحصیلات، خصوصیات شخصی و خانوادگی تا زمان وفات و محل قبر او را شامل می‌شود (نک. ناصر خسرو، ۱۳۰۵: ۵۰-۱).

در دهه‌های بعد با ورود شارحانی چون مینوی، خزائلی، گوهرین، یوسفی و دیگران علاوه بر تحوّل شیوه‌های شرح‌نویسی، مباحث جدیدی هم وارد مقدمه‌ها شد و شکل و شیوهٔ آنها تا حدّی تغییر کرد.

صادق گوهرین در سال ۱۳۴۲ در مقدمهٔ *منطق‌الطیر*، بیشتر به مقام عطار در وادی عرفان و بررسی مضمون و محتوای این کتاب و اشارات عرفانی آن می‌پردازد، به‌علاوه در

مورد سنت اثرپذیری از قرآن و حدیث در عرفان اسلامی و به‌خصوص *منطق‌الطیر* سخن می‌گوید و به‌روشنی اثرپذیری عطار از داستان هدهد و سلیمان را نشان می‌دهد (نک. عطار، ۱۳۸۳: ۲۱-۱۶). به‌رغم این، اغلب مقدمه‌های این دوران هنوز خالی از مباحث روش‌شناختی چون اشاره به شیوه شرح‌نویسی، نوع مخاطبان و خوانندگان، بیان هدف شارح و مسائلی در شناخت بهتر خالق اثر و فضای فکری او هستند.

در این میان، در سال ۱۳۴۶ مقدمه شرح *مثنوی شریف* توسط استاد فروزانفر تدوین می‌شود، ولی برخلاف انتظار، از مقدمه مفصل و حتی اشارات تاریخی و زندگی‌نامه‌ای در آن خبری نیست، اما او در ۱۴ صفحه، ضمن اشاره به مشکلات کار تطبیق نسخه‌ها، به شیوه کار خود در این شرح، بخش‌بندی‌ها و توضیحات پیش از هر بخش، ذیل پنج مورد اشاره می‌کند (نک. فروزانفر، ۱۳۷۱: ۱۴-۱).

پس از بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها در ابتدای دهه ۶۰ شمسی و افزایش تدریجی پذیرش دانشجو در رشته زبان و ادبیات فارسی و به دنبال گسترش شرح‌نویسی بر متون کامل یا گزیده‌ها، نوشتن مقدمه‌های جامع و کامل‌تر مورد توجه شارحان قرار گرفت. این مقدمه‌ها هرچند در بعضی موارد مختصرند و تعداد صفحات کمتری دارند، اما اغلب، بحث‌های متنوعی در آنها گنجانده می‌شود، نکاتی مثل شرایط اجتماعی حاکم بر زمان شاعر یا نویسنده، اوضاع سیاسی و فرهنگی عصر و دنیای فکری آنان، مباحثی در تحلیل سبک و شیوه و ساختار اثر که به فهم بهتر آن کمک می‌کند و خواننده را در جریان ساختار کلی اثر قرار می‌دهد تا پیش از ورود به متن با آن درگیر شود. بر همین اساس شاید بسیاری از مقدمه‌های امروزی کوتاه‌تر به نظر برسند اما در واقع از نظر کیفی کامل‌ترند. از سوی دیگر نوع تحقیقات در این حوزه تغییر کرده است؛ امروزه اکثر شرح‌ها (خصوصاً گزیده‌ها) بر مبنای متن‌های تصحیح‌شده پیشینیان تهیه می‌شوند، بنابراین مباحث نسخه‌شناسی و توضیح درباره اختلاف نسخ معمولاً در آنها وجود ندارد. در خصوص زندگی و مباحث زندگی‌نامه‌ای هم در اکثر موارد کتاب‌های مستقل دیگری نوشته شده‌اند که تا حدی شارح را از اشاره گسترده به این مسائل بی‌نیاز می‌کنند.

اهمیت مقدمه‌نویسی

معمولاً مقدمه اثر نخستین بخشی است که خواننده با آن روبه‌رو می‌شود و اطلاعات کلی درباره هر اثر نیز از این طریق به او می‌رسد. به همین سبب مقدمه از تعیین‌کننده‌ترین

بخش‌ها در رسیدن به اهداف شرح‌نویسی است. اما مهمترین فواید نوشتن مقدمه‌ها در شروح متون ادبی کدام‌اند؟

از نخستین کارکردهای نوشتن مقدمه، معرفی اثر و خالق آن است و مهمترین بحثی که از دوران اولیهٔ رواج شرح‌نویسی در ایران همواره مورد توجه بوده است، پرداختن به زندگی‌نامهٔ مؤلف و معرفی اثر در مقدمه‌هاست. هدف مخاطب در استفاده از یک شرح - حتی در نوع آموزشی آن - صرفاً خواندن قسمت‌هایی از اثر و آگاه شدن از معنی واژگان مبهم نیست، بلکه مخاطب علاوه بر آشنایی اجمالی با اثر (به‌خصوص در گزیده‌ها)، نیازمند شناخت کلی از خالق اثر در حدّ لزوم، شناخت فضای فکری و روحی او و مهمترین ویژگی‌های ادبی - زبانی اثر است. خواننده با دانستن این موارد، درک بهتری از کلیت اثر ادبی، ویژگی‌های خاصّ سبکی و زبانی اثر و دورهٔ زمانی تألیف آن خواهد داشت و در نتیجه، شارح در بخش شرح و توضیحات مجبور نخواهد بود به‌جای پرداختن به نکات تحلیلی مفید، به تفصیل و مکرر درگیر مباحث سبک‌شناختی، معرفی ویژگی‌های صرفی و نحوی در دورهٔ مورد نظر و مسائلی از این دست شود. به‌علاوه، چنین مقدمه‌ای اجازه نمی‌دهد فعالیت ذهنی خوانندگان، به‌ویژه گروه دانشجویان در محدودهٔ شرح متن متوقف بماند، بلکه ضمن آشنا کردن آنها با موضوعات تحلیلی مختلف باعث می‌شود به دیدگاه‌های تازه‌تری دربارهٔ متن دست یابند (غلامرضایی، ۱۳۸۵: ۸).

فایدهٔ دیگر نوشتن مقدمه، راهنمایی خواننده در انتخاب کتابی متناسب با نیاز اوست. خواننده در درجهٔ اول و در برخورد با مقدمهٔ کتاب باید به سطح علمی شرح، نوع توضیحات و هدف نویسنده پی‌ببرد تا اثری مناسب موقعیت علمی، سنی، شغلی و ... خویش را انتخاب کند. بنابراین بهتر است مقدمه دارای توضیحات کافی در مورد ویژگی‌های آن شرح از جمله شیوهٔ کار شارح و مهمتر از همه، هدف شارح یا ناشر باشد. هرچند در بیشتر مجموعه‌ها و آثار مستقل، نشانه‌ای از ذکر هدف شارحان نیست، اما در بعضی موارد، دست‌اندرکاران تهیه و تولید شروح به این نکته توجه می‌کنند.

برخی آثار نیز (به‌خصوص آثار دوره‌های گذشته) ذیل بحث از سبب تألیف و تصحیح کتاب، به‌طور غیرمستقیم به مباحثی اشاره می‌کنند که خواننده را در درک بهتر هدف و نیت شارح، سطح شرح و مسائلی از این دست، یاری می‌کند. علامهٔ قزوینی در مقدمهٔ کتاب *چهارمقاله* ضمن اشاره به سبب تحقیق در باب این کتاب و بیان علت گرایش به

تصحیح آن (که به پیشنهاد ادوارد براون بوده است)، تصریح می‌کند که در ابتدا قصد افزودن توضیحات به این اثر را نداشته، ولی به پیشنهاد براون یادداشت‌های خود را هم ضمیمه چاپ کتاب کرده است تا خوانندگان راحت‌تر باشند و مجبور نشوند خودشان دنبال مطالب و توضیحات بروند (نظامی عروضی، ۱۳۲۸ق: کب). به همین علت است که تعلیقات کتاب بیشتر حول محور اعلام و شرح اسامی و مکان‌ها دور می‌زند. با توجه به این مطلب خواننده می‌فهمد که قصد نویسنده در اینجا بیشتر تصحیح نسخه بوده است تا شرح متن کتاب، و نباید انتظار شرح مشکلات و حل ابهامات را از تعلیقات آن کتاب داشته باشد.

اصولاً یکی از کارکردهای مقدمه در شروح متون ادبی، روشن کردن سطح انتظار از آنهاست، خواننده از طریق مقدمه می‌تواند به نوع شرح، محدوده کار شارح، اهداف شرح و سطح خوانندگان مورد نظر شارح پی‌ببرد. مخاطب اهل علم و حرفه‌ای نباید از اثری که برای استفاده خوانندگان عام و جوانان تهیه شده و مثلاً هدف از تألیفش تهیه شرحی کاربردی‌تر و روان‌تر برای همه گروه‌ها، همراه با ذکر معنی ساده و روان همه بیت‌ها، عنوان شده است (مهرنگ، ۱۳۸۵: ۹)، انتظار طرح تفصیلی مباحث جزئی لغوی، دستوری و انتقادی را داشته باشد؛ همین‌طور خواننده عام هم لزومی ندارد به دنبال شروح کامل یا گزیده‌های تخصصی‌ای چون شرح گلستان خزائی، گلستان و بوستان یوسفی، منطق‌الطیر شفیعی کدکنی، حافظ‌نامه و ... برود که مباحث تخصصی آنها در متن و مقدمه کمتر به کارش می‌آید. به‌عنوان نمونه در آثار غلامحسین یوسفی مثل شرح گلستان و بوستان، در قسمت تعلیقات، بخشی مفصل با عنوان شرح نسخه‌بدل‌ها آمده است که این بحث‌ها جز ملال خاطر برای یک فرد غیرمتخصص که هدفی جز لذت بردن از خواندن و فهم ظاهری عبارات گلستان و بوستان و... ندارد، ثمری نخواهد داشت. درحالی‌که گروه هدف چنین آثاری، خوانندگان حرفه‌ای و دانشگاهی‌اند، آن‌گونه که شفیعی کدکنی در مقدمه خود بر کتاب منطق‌الطیر اشاره می‌کند: «تلاش بود که اطلاعات مورد نیاز خواننده جدی و علاقه‌مند از هر جهت فراهم شود» (عطار، ۱۳۸۵: ۱۳). خواننده غیرحرفه‌ای حتی اگر به دنبال شروح کامل باشد، مناسب است از آثاری که در مقدمه آنها هدف از تألیفشان استفاده عموم خوانندگان ذکر شده و از مباحث پیچیده خالی است استفاده کند.

نکته مهم در بحث مقدمه‌ها این است که در مجموع، شارح باید توجه داشته باشد که مباحث مقدماتی و رعایت اصول مقدمه‌نویسی نقش مهمی در موفقیت اثر او و جلب مخاطب دارد و مخاطب نیز باید بداند که پیش از انتخاب و استفاده از شرح، لازم است به مقدمه آن رجوع کند تا هدف نویسنده و ناشر آن را دریابد و بیشترین بهره را از آن ببرد.

انواع مقدمه‌ها و شیوه‌های مقدمه‌نویسی

مقدمه‌ها را از نظر حجم می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: مفصل، مختصر و متوسط. ۱- مقدمه مفصل حجم زیادی دارد و شامل اجزا و بخش‌های مختلف است و اطلاعات مختلفی درباره نویسنده، ویژگی‌های اثر، بیان ویژگی‌های سبکی، زبانی، معرفی نسخه‌ها و روش تصحیح، شیوه شرح و تعلیقات و... ارائه می‌کند و معمولاً در شروح متن کامل آثار دیده می‌شود.

محمد استعلامی بر شرح مثنوی، مقدمه‌ای ۹۰ صفحه‌ای نگاشته است (نک. مولوی، ۱۳۷۹: ۹۰-۱). این مقدمه شامل پنج فصل است: ۱- سرگذشت مولانا ۲- پیوستی بر سرگذشت مولانا ۳- آثار مولانا پیش از مثنوی ۴- درباره مثنوی ۵- این نشر تازه مثنوی. محمدرضا شفیعی کدکنی هم در مقدمه مفصل خود بر *منطق‌الطیر* که ۲۳۰ صفحه است و شاید از مفصل‌ترین مقدمه‌ها در میان مقدمه‌های آثار شرح شده باشد، به مسائل کلی‌ای چون هویت و زندگی عطار، آثار عطار، غزل عطار، عطارهای شعر فارسی، بوطبقای عطار و جایگاه عطار در شعر فارسی می‌پردازد و در کنار بحث درباره "زبان مرغان" و بررسی منطق‌الطیرهای تاریخ ادب فارسی و رد پای سیمرغ در آثار عرفانی مشهور، به‌طور مفصل (در حدود ۳۰ صفحه) به رمزگشایی از نمادهای پرندگان و گل‌ها می‌پردازد؛ همین‌طور از اشاراتی در باب سیمرغ و پیشینه بحث آن و شیخ صنعان و روایات گوناگون درباره این داستان چشم‌پوشی نمی‌کند. در پایان نیز به ذکر نسخه‌های موجود و روش خود در تصحیح می‌پردازد (نک. عطار، ۱۳۸۵: ۲۳۰-۱). نمونه دیگر، مقدمه مفصل شفیعی کدکنی بر *غزلیات شمس* است. او در این مقدمه که حدود ۱۴۵ صفحه است به مباحث مختلفی در باب مولوی‌پژوهی پرداخته است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: دوازده).

۲- نوع دوم، مقدمه‌های مختصرند که حجم بسیار کمی (چندصفحه) دارند. این نوع از مقدمه‌ها اغلب در آثاری که در ابتدای دوره مورد مطالعه این تحقیق، تصحیح شده‌اند

دیده می‌شود و در آنها معمولاً به مباحث مهم مقدمه‌ها چون بیان جایگاه اثر در ادب فارسی، شیوه شرح یا گزینش، ویژگی‌های سبکی خالق اثر و مشخص کردن گروه هدف، توجهی نمی‌شود. مثلاً حسن وحید دستجردی در تصحیح *مخزن‌الاسرار* نظامی، دو صفحه مقدمه نوشته است، اما در واقع بیشتر حجم این مقدمه به بیان مشکلات تصحیح آثار نظامی، چگونگی تصحیح ابیات و... اختصاص دارد. دستگردی در عین اینکه به وجود نسخه‌های متعدد از آثار نظامی که کار تصحیح را با مشکل مواجه می‌کنند اشاره دارد، ولی به علت توجه به این آثار، ویژگی‌های خاص سبک زبان و بیان نظامی، موضوع این اثر، شیوه خود در شرح ابیات و نکاتی از این دست هیچ اشاره‌ای نمی‌کند (نک. نظامی گنجوی، ۱۳۸۲: نوزده و بیست).

۳- نوع سوم، مقدمه‌هایی هستند که بین این دو قرار دارند، یعنی بین حجم اثر و مقدمه تناسبی هست و در آنها با توجه به اهداف نویسنده و ناشر، در حد نیاز به معرفی اثر، روش کار و هدف شارح پرداخته شده است. نه زیاده‌نویسی‌ها و پژوهش‌محوری‌های نوع اول در آنها هست و نه مختصرگویی‌های افراطی نوع دوم. از این جمله مقدمه شرح *جامع مثنوی* اثر کریم زمانی است. مؤلف در مقدمه ۲۵ صفحه‌ای کتاب علاوه بر توضیحاتی درباره مولوی و خاندان او، مراحل مهم زندگی‌اش از جمله، ملاقات با شمس و آثار و تألیفاتش، در قسمت‌های پایانی مقدمه، توضیحاتی نیز درباره شروع گذشته و حال، شیوه شرح و... دارد (نک. زمانی، ۱۳۸۴: ۱ / ۴۵-۴۳).

یکی از نکته‌های مهم در مقدمه‌نویسی این است که کیفیت مقدمه‌ها بیشتر از کمیت آنها اهمیت دارد. مقدمه مختصری که از نظر علمی و اصولی مباحث کافی را شامل می‌شود و علاوه بر آن تکلیف خود را با خواننده روشن می‌کند، بر مقدمه مفصلی که فقط به معرفی خالق اثر، نسخه‌های موجود و شیوه تصحیح یا بحث‌های حاشیه‌ای می‌پردازد ترجیح دارد. به عبارت دیگر از اساسی‌ترین بحث‌ها در ارزیابی مقدمه‌ها تناسب محتوای مقدمه (در کنار حجم) با اثری است که شرح می‌شود.

گلستان اثری ادبی است با محتوای اخلاقی و اجتماعی، بنابراین لزومی ندارد در مقدمه آن مباحثی همچون مبدأ اشتقاق تصوف، تشکیلات و هدف‌های صوفیان، کتب مهم در باب تصوف و عرفان، وظیفه ما در برابر عرفان اسلامی و... آورده شود، اما خزائلی مقدمه‌ای در ۹۷ صفحه شامل شش گفتار برای شرح *گلستان* تدوین کرده است، به این

ترتیب: ۱- مفهوم ادب و ادبیات، منشأ روانی، هدف و کیفیت تطور و انواع آن ۲- تصوف و عرفان ۳- مختصری از تحولات ادب فارسی تا زمان شیخ اجل سعدی شیرازی ۴- مقام ادبی و عرفانی افصح‌المتکلمین ۵- سخنی در باب گلستان و ترجمه‌ها و شرح‌هایی که بر آن نوشته شده است ۶- سخنی چند در باب شعر و انواع آن، گفتگوی کوتاهی در باب قافیه... و آرایش‌های سخن در گلستان (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۳). روشن است که بخش اعظم این مقدمه مفصل، اهمیت زیادی برای خواننده گلستان ندارد. بخش اصلی گلستان به نثر است، پس چه نیازی است به بیان شعر و انواع آن و حتی بحث در باب عروض و قافیه؟ (نک. همان: ۹۰-۷۵) چنین مباحثی، مقدمه را از ماهیت و اهداف خود دور و آن را به مجموعه‌ای از اطلاعات جانبی تبدیل می‌کند.

کمیت و کیفیت مقدمه‌ها در شرح آثار ادبی به عوامل مختلفی بستگی دارد. سطح دانش و تسلط شارح، روش دانی و میزان پایبندی او به اصول است که او را ملزم می‌کند تا به فراخور نیاز، اطلاعات کافی را در اختیار خوانندگان قرار دهد، یا به روش کار خود و شیوه شرح اشاره داشته باشد و به تنظیم منطقی مباحث مقدمه بپردازد.

نوع اثر نیز در کمیت و کیفیت مقدمه شروح مؤثر است؛ یعنی هر متن با توجه به ویژگی‌های خود، مقدمه خاص خود را می‌طلبد. هرچند اطلاعات زندگی‌نامه‌ای درباره مؤلف از قسمت‌های مهم مقدمه‌هاست، ولی گاهی شارح به دلیل شهرت کافی اثر یا پدیدآورنده آن لازم نمی‌بیند در مورد زندگی و آثار شاعر یا نویسنده یا درباره خود اثر توضیح زیادی بدهد. مثلاً غلامحسین یوسفی در مقدمه بوستان سعدی با توجه به شهرت سعدی و اینکه ذکر او در افواه عام افتاده است، اشاره می‌کند که «این اثر نیاز به معرفی ندارد» (سعدی، ۱۳۶۸: ۱۲). او در مقدمه گلستان نیز بر همین باور است از این رو، سخنی از زندگی و معاصران سعدی به میان نمی‌آورد.

عکس این مسأله هم صادق است. یعنی گاهی با توجه به اهمیت اثر، ویژگی‌های خاص سبکی، زبانی و جایگاه خاص اثر در جامعه، شارح نیاز بیشتری به توضیح و تفسیر در مقدمه می‌بیند و این یکی از دلایل به وجود آمدن مقدمه‌های مفصل و چندوجهی است. مثلاً فروزانفر که معمولاً عادت به نوشتن مقدمه‌های طولانی ندارد، به طوری که در شرح مثنوی شریف، فقط ۱۴ صفحه را به مقدمه اختصاص داده است، در مقدمه رساله قشیریه، ۸۴ صفحه مطلب می‌نویسد و با توجه به اینکه احساس می‌کند قشیری برای

مخاطبان معاصر چندان شناخته شده نیست، ۷۲ صفحه مقدمه را به زندگی‌نامه قشیری اختصاص می‌دهد (نک. قشیری، ۱۳۸۵: ۸۴-۱).

سطح خوانندگان و گروه هدف شارح نیز در کمیت و کیفیت مقدمه‌ها مؤثر است. سطح سواد خواننده و آشنایی او با اثر، نیاز او را به نوع مقدمه روشن می‌کند. اثری که برای استفاده جوانان و دوستداران و علاقه‌مندان عام متون ادبی در جامعه تهیه می‌شود نیازی به مقدمه‌های مفصل و بحث‌های تخصصی ندارد، در عوض آثاری که خوانندگان با آنها آشنایی کافی ندارند، بیشتر نیاز به معرفی دارند. کتاب زبور پارسی با اینکه به گفته شارح در مقدمه آن برای استفاده جوانان و عموم دوستداران تهیه شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۱۳)، ولی مقدمه مفصلی در ۱۳۰ صفحه درباره عطارشناسی دارد که در زمان چاپ *منطق‌الطیر* او به شکل گسترده‌تر به آنجا منتقل شد و شفیعی، خود بعدها در مقدمه *منطق‌الطیر* متذکر شد که این مقدمه برای کتاب زبور پارسی مناسب نبوده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۳).

از سوی دیگر، شارح در هنگام نوشتن مقدمه باید به مخاطبان اثر خود توجه داشته باشد. اگر مقدمه را برای استفاده دانشجویان یا کاربرد آموزشی می‌نویسد، لازم است معیارهای مقدمه کتب درسی از جمله تناسب با سرفصل‌های آموزشی، اطلاعات زمینه‌ای، نیاز دانشجو و... را رعایت کند و اگر برای خواننده معمولی می‌نویسد یا اساساً قصد دارد یک اثر علمی و پژوهشی برای مخاطبان خاص منتشر نماید، لازم است متناسب با هدف خود به تدوین مقدمه دست بزند.

مهمترین مباحث مقدمه‌ها

در این قسمت با توصیف و بررسی مقدمه‌های شرح‌هایی که در دوره مورد بررسی این تحقیق بر آثار ادبی فارسی اعم از نظم و نثر نوشته شده‌اند، مباحثی را که مورد توجه شارحان مختلف در مقدمه‌نویسی بوده‌اند می‌آوریم و به نمونه‌هایی از مقدمه‌ها متناسب با هر عنوان استناد می‌کنیم. مطالعه مجموعه این مباحث می‌تواند ما را با خصوصیات یک مقدمه جامع آشنا سازد. مهمترین این مباحث عبارت‌اند از:

۱- معرفی آفریننده اثر

از مهمترین مباحث مقدمه‌ها، مباحث زندگی‌نامه‌ای مربوط به شاعر یا نویسنده و مطالب تاریخی درباره زمانه آنهاست. این قسمت باید تصویری دقیق و روشن از نویسنده و شاعر

ارائه کند. تاریخ تولد و وفات، شیوه زندگی، معاصران، اوضاع سیاسی و اجتماعی، حوادث مهم و تأثیرگذار زندگی از مهمترین مباحث این بخش‌اند. البته طرح این مباحث در صورتی که در حل برخی گره‌های متن مؤثر باشند اهمیت بیشتری خواهند داشت، ولی بیشتر اوقات مطالب مربوط به این قسمت تنها برای پرکردن حجم مقدمه آورده می‌شوند، در صورتی که شرح حال شاعر و نویسنده باید با تحلیل درست اوضاع عصر و زمان آنها همراه باشد و جایگاه شاعر و نویسنده را در گستره ادبیات تبیین کند (سنگری، ۱۳۸۵: ۴۷).

در زندگی برخی از صاحبان اثر، حوادث تاریخی، سیاسی و عاطفی مهمی اتفاق افتاده که در فضای روح، شخصیت و در اثرشان بازتاب یافته است. در بحث زندگی‌نامه و برای کمک به فهم بهتر بعضی قسمت‌های متن که تحت تأثیر این وقایع پدید آمده‌اند، شرح وقایع مذکور، ضروری است. مثلاً شارح در مقدمه شرحی که در مورد قصاید خاقانی می‌نویسد، می‌تواند به مرگ رشیدالدین، فرزند او و تأثیر روحی عمیق این واقعه بر زندگی خاقانی اشاره کند تا خواننده درک بهتری از اشعار او داشته باشد.

۲- معرفی ویژگی‌های سبکی اثر

آشنایی با ویژگی‌های سبکی و بلاغی اثر به این دلیل برای خواننده اهمیت دارد که از این طریق به‌طور مختصر و مفید، مهمترین خصوصیات ادبی اثر را درمی‌یابد و این نکته او را در درک عمیق و آسان‌تر مطالب یاری می‌دهد. از آنجا که میزان و نوع بهره‌گیری از صنایع و آرایه‌های ادبی در هر دوره با دوره‌های دیگر تفاوت دارد اهمیت این بخش بیش از پیش روشن می‌شود.

برخی آثار از نظر بلاغی حائز اهمیت‌اند. طبیعی است که شارح در مقدمه، به توضیح در مورد مهمترین خصوصیات بلاغی و آرایه‌های ادبی اثر بپردازد. همان‌گونه که خزانلی در مقدمه گلستان سعدی، در کنار بحث‌های متنوع خود، بخشی را به آرایش‌های سخن در گلستان اختصاص داده و در آن به برخی نکات و آرایه‌های ادبی با ارائه شواهد مثال از متن کتاب پرداخته است (نک. سعدی، ۱۳۸۱: ۹۱-۶۷).

گروه دیگری از آثار ویژگی‌های سبکی خاصی دارند. بهتر است شارح در مقدمه به این ویژگی‌ها اشاره کند و در صورت نیاز با تفصیل بیشتری در مورد آنها توضیح دهد. شارحی که برای کتاب مقامات حمیدی مقدمه می‌نویسد، ناگزیر است قسمتی از کار

خود را به بحث مقدمه‌نویسی، تعاریف و پیشینه کاربرد آن اختصاص دهد، تا خواننده پیش از ورود به مطالب اصلی، تصویری از فنّ مقامه و خصوصیات آن در ذهن داشته باشد؛ چنان که رضا انزابی‌نژاد در مقدمه خود بر *مقامات حمیدی*، فصلی را با عنوان "مقامه و مقامه‌نویسی" قرار داده تا خواننده در ابتدا با سبک ادبی مقامه آشنا شود و بعد از آن به مطالعه متن کتاب بپردازد (نک. بلخی، ۱۳۷۲: ۱۰-۶).

۳- بحث درباره اصطلاحات کلیدی متن

گاهی اوقات در نگاه یک نویسنده یا شاعر، برخی واژگان و تعبیر از معنای قاموسی و رایج خود فراتر می‌روند و معانی دیگری پیدا می‌کنند. در این موارد بهتر است شارح درباره چنین تعبیری توضیح دهد. از جمله این تعبیر، اصطلاح کلیدی «رند» در شعر حافظ است که بدون دریافت درست مفهوم آن در نزد حافظ، بخش مهمی از پیام‌های او درک نمی‌شود، از این رو معمولاً شارحان اشاره‌وار یا مفصل به آن می‌پردازند. به عنوان نمونه، از میان مباحث گوناگون در مقدمه کتاب *درس حافظ* چند صفحه‌ای هم به توضیح درباره مفهوم رند در نزد حافظ اختصاص یافته است (نک. استعلامی، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۷). همین‌طور در *حافظ‌نامه*، بخشی با عنوان «رند و رندی حافظ» وجود دارد که در آن به معانی رند نزد حافظ، انگیزه‌ها و الگوهای حافظ در ساختن رند و... اشاره شده است (نک. خرماهی، ۱۳۸۷: ۲۷ و ۲۸).

۴- بیان جایگاه اثر در مجموعه آثار ادبی

یادآوری جایگاه و مقام اثر در مجموعه آثار ادبی، می‌تواند کیفیت و اهمیت اثر را نشان دهد. همچنین شارح با مقایسه یک اثر با نمونه‌های مشابه آن در ادب جهانی و ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌های اثر با آنها می‌تواند زوایای پنهان اثر را آشکار کند و ارزش واقعی‌اش را بنمایاند. جلال‌الدین کزازی در مقدمه کتاب *نامه باستان* که شرح و تفسیر *شاهنامه* است، این اثر را با سه شاهکار برجسته حماسی، *ایلیاد*، *اودیسه* و *انه‌اید* مقایسه می‌کند و پس از شرح طرح داستانی این سه حماسه جهانی، در بخش دیگر به رفتارشناسی شخصیت‌ها، عمق اندیشه، تصویرسازی و... در *شاهنامه* و آثار دیگر می‌پردازد و با نمایش برتری *شاهنامه* بر سایر آثار از جهات گوناگون، بر این نکته اذعان می‌کند که لافی‌گراف

و سخنی بی‌پایه و خام نخواهد بود اگر فردوسی را بزرگ‌ترین حماسه‌سرای جهان بدانیم (نک: کزازی، ۱۳۸۵: ۱/ ۹-۵).

گاهی نیز یک اثر در نوع ادبی یا در سطح موضوع خود حائز اهمیت است و شارح در مقدمه به این وجوه اهمیت اشاره می‌کند. محمود عابدی در مقدمهٔ *کشف‌المحجوب* با اشاره به فصولی از این کتاب که در نوع خود و در منابع اصلی تصوف بی‌مانند است، تأکید می‌کند که این کتاب از میان آثار به‌جامانده به زبان فارسی، نخستین اثر در موضوع تصوف است (نک: هجویری، ۱۳۸۶: پنج - شش).

۵- اثرپذیری از پیشینیان و معاصران و اثرگذاری بر آیندگان

امروزه بحث از مناسبات بینامتنی که تحت تأثیر آراء میخائیل باختین، نظریه‌پرداز روس، شکل گرفته بود تکامل یافته و مورد توجه جدی محققان ادبی قرار گرفته است. براساس نظریهٔ بینامتنیت، بین هر متن ادبی با سایر آثار پیشین یا معاصر آن رابطهٔ بین‌الذهانی وجود دارد و هر متن ادبی از متون گذشته و معاصر خود اثر می‌پذیرد و فهم آن نیز تا اندازهٔ زیادی به واسطهٔ متونی که قبل از آن وجود داشته‌اند دریافت می‌شود (نک: احمدی، ۱۳۷۲: ۶۰-۵۸ و سجودی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). به‌ویژه آثار ادبی مهمی که اعتبار جهانی یافته‌اند، حاصل تجربه‌ها و زمینه‌سازی‌های گذشتگان‌اند که به‌وسیلهٔ یک شاعر یا نویسنده، بازآفرینی می‌شوند. بدیهی است این آثار بر متون ادبی پس از خود نیز اثر می‌گذارند و ممکن است روند آفرینش‌های ادبی را دگرگون سازند. بنابراین لازم است شارح در مقدمه به شرح اثرپذیری متن از گذشتگان و معاصران و احیاناً تأثیر آن بر آیندگان بپردازد. ذکر اثرگذاری یک متن ادبی بر آیندگان، دلایل اثرگذاری، حدود و میزان آن، بر ارزش و اهمیت اثر نزد خواننده می‌افزاید و توجه‌کنندهٔ حُسن انتخاب شارح در کار شرح نیز هست. در تحلیل آثار برجسته‌ای چون *گلستان*، *بوستان*، *غزلیات حافظ*، *خمسه نظامی*، *مثنوی مولوی* و *غزلیات شمس* که به‌گونه‌ای از متون جریان‌آفرین و دوران‌ساز بوده‌اند، باید پیوند تقلید و خلاقیت در آنها نمایش داده شود. این در حالی است که اغلب شارحان در طول زمان به این نکته بی‌توجه یا کم‌توجه بوده‌اند.

شفیعی‌کدکنی در مقدمهٔ *غزلیات شمس*، در بخش «تأثیرپذیری»، با ذکر نمونه‌هایی ثابت کرده که مولوی در سرودن برخی از غزل‌های خود به مضمون کلام و شعر شعرای گذشته توجه داشته است؛ از جمله سراینده‌گان گمنامی چون شمس‌الدین محمد سجزی

در غزل «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست» و ضیاء‌الدین خجندی در غزل «جنتی کرد جهان را ز شکر خندیدن». علاوه بر این، سرشار بودن ذهن و ضمیر مولوی را از اشعار سنایی، عطار و نظامی، و در میان اعراب دلبستگی او را نسبت به شعر متنبی و مقامات حریری متذکر می‌شود. همچنین به تأثیر دیوان شمس بر تک‌تک شاعران غزلسرای بعد از مولوی، از دیوان سلطان ولد در عصر مولوی گرفته تا صائب در قرن ۱۱ اشاره کوتاهی می‌کند و تأکید می‌کند که اگر بخواهیم مورد به مورد برای تأثیرگذاری غزلیات شمس بر دوره‌ها و شاعران بعدی مثال بزنیم به وادی‌ای خواهیم افتاد از نوع مقوله تخصیص اکثر در زبان علمای اصول (نک. شفیع‌کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۳۱). استعلامی نیز در شرح مثنوی، در دو بخش جداگانه به اثرپذیری و اثرگذاری مولوی می‌پردازد (نک. مولوی، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۱).

۶- بیان شیوه شرح متن

ذکر شیوه نویسنده در شرح متن موجب می‌شود تا سطح انتظار و میزان توقع مخاطب از آن شرح مشخص شود، این امر به خواننده در انتخاب درست اثر و فهم سریع‌تر و بهتر مطالب نیز یاری می‌کند. اگر شارح با توجه به ویژگی‌های خاص یک اثر روش نوینی را در شرح به کار می‌گیرد، بهتر است در مقدمه در مورد شیوه کار خود توضیح دهد و علاوه بر آن روشن کند که چه ویژگی‌هایی در اثر، لزوم استفاده از این شیوه خاص را در شرح توجیه می‌کند. تقی پورنامداریان در مقدمه کتاب گمشده لب دریا ابتدا در مورد شعر حافظ و ویژگی‌های خاص آن توضیح می‌دهد و ضمن انتقاد از شیوه‌های نادرست گذشتگان در شرح، بر روش همدلانه خود در شرح شعر حافظ که مبتنی بر رویکرد ساختاری و تأویلی است تأکید می‌کند (نک. پورنامداریان، ۱۳۸۵: ۱۴-۶).

محمدتقی جعفری نیز در مقدمه کتاب تفسیر مثنوی به شیوه کار خود در شرح اشاره می‌کند و می‌نویسد که در هر بخش، ابتدا ابیاتی که مولوی در رابطه با یک موضوع سروده، نوشته شده و پس از نقل و ترجمه آیات و روایات، مفاهیم اخلاقی، عرفانی و... موجود در ابیات، مورد بررسی قرار گرفته است و پس از ذکر بیتی که در مرکز ثقل آن قسمت قرار دارد، مطالب مربوط به آن به تفصیل، شرح و بسط داده شده است (جعفری، ۱۳۴۹: ۱/ بیست و دو).

۷- بیان هدف از تدوین شرح

از دیگر مباحثی که گاهی در مقدمه‌ها ذکر می‌شود و طرح آن هم ضروری است، بیان هدف از نوشتن شرح است. اگر شارح در ابتدا هدف از کار و نیز مخاطبان خود را مشخص کند، نوع و شیوه کارش نیز تا حدی معلوم می‌شود. مقدمه باید روشن کند که هدف شارح چیست؟ مخاطبان آن از جهت سنی و میزان سواد، چه گروهی هستند؟ یا اصولاً نویسنده چرا به این کار دست زده است؟

استعلامی در مقدمه کتاب درس حافظ در بخشی با عنوان «سرآغاز» مطالب خود را با طرح سؤالاتی آغاز می‌کند، طی همین پرسش‌ها علاوه بر اینکه خواننده و گروه هدف نویسنده مشخص می‌شود، به اهداف شارح نیز اشاره می‌شود (استعلامی، ۱۳۸۶: ۳).

گاهی هدف شارح، تهیه نسخه‌ای صحیح و معتبر براساس نیازهای جامعه یا براساس نسخه‌ای نویافته است؛ آن‌گونه که در اغلب آثار قدیمی مشاهده می‌شود. گاه نیز فقدان شرح و توضیح مناسب برای استفاده گروه خاصی از خوانندگان، شارح را به تهیه و تدوین شرح وامی‌دارد. انزایی نژاد و قراپنگلو در مقدمه بوستان سعدی با انتقاد از اینکه غلامحسین یوسفی در مقدمه بوستان به شیوه کار خود در شرح و گروه هدف خود اشاره نکرده، اعلام می‌کنند که این امر باعث شده توضیحات کتاب هم شرح لغات و کلمات معمولی که قاعدتاً مناسب خوانندگان مبتدی است را در بر گیرد و هم بخشی با عنوان شرح نسخه‌بدل‌ها داشته باشد که به قول خود شارح، درخور حوصله محققان ادبی است (سعدی، ۱۳۶۸: ۱۳). براین اساس، شارحان در مقدمه، ضمن برشمردن مزایای معرفی سطح مخاطبان شرح در مقدمه‌ها، در چند قسمت آن تأکید می‌کنند که مخاطب عمده توضیحات این اثر دانشجویان ادبیات هستند و هرکس که آگاهی ادبی و زبانی وی در این حد باشد (نک. سعدی، ۱۳۷۸: ۸-۷).

۸- معرفی نسخه‌ها و شیوه تصحیح

معرفی نسخه اساس متن که مورد استفاده شارح قرار گرفته است و توضیح در مورد نسخه‌بدل‌ها از بخش‌هایی است که تقریباً در همه آثار قدیمی متعلق به شارحان برجسته گذشته دیده می‌شود. مهمترین دغدغه این شارحان ارائه متنی صحیح و نسخه‌ای معتبر بود و معمولاً پس از معرفی نویسنده و توضیح درباره اثر، اصلی‌ترین قسمت مقدمه‌های خود را به معرفی نسخه‌ها و توضیح درباره آنها اختصاص داده‌اند.

در سال ۱۳۲۹، عبدالعظیم قریب در مقدمه بوستان سعدی، پس از توضیحاتی درباره بوستان و مضامین و آرایه‌های ادبی آن، به بحث درباره اختلاف نسخ و تحریف و تغییر آنها اشاره می‌کند و از نسخه‌ای یاد می‌کند که زمان تألیف آن نزدیک به زمان سعدی است و ظاهراً از روی نسخه دست‌نویس سعدی تهیه شده است. پس از آن تا صفحات پایانی به معرفی این نسخه و اختلاف آن با نسخه فروغی می‌پردازد (نک. سعدی، ۱۳۲۹: مو-ع).

در شروح امروزی، مخصوصاً گزیده‌ها (به دلیل کمبود فضا و عدم نیاز مخاطب) کمتر به معرفی نسخه‌بدل‌ها و مباحث نسخه‌شناسی پرداخته می‌شود. حداکثر چیزی که در برخی آثار وجود دارد معرفی نسخه اساس است؛ البته معرفی نسخه اساس مورد استفاده، در هر شرایطی اهمیت دارد چون مخاطب باید بداند که مطالب نقل شده از کدام نسخه است تا بر همین اساس میزان اعتبار و صحت متن ارائه‌شده را ارزیابی کند. از نکات مهم دیگری که بعضی شارحان در مقدمه ذکر می‌کنند، شیوه تصحیح نسخه است. بعضی شارحان، بنا به دلایل و قرائن، یک نسخه را می‌پسندند و آن را اساس کار خود قرار می‌دهند؛ مثل کریم زمانی که شرح جامع خود را براساس نسخه نیکلسون تنظیم کرده و به بحث اختلاف نسخه‌ها و تصحیح قیاسی تن نداده است. اما در بعضی موارد، به دلایل مختلف شارح ترجیح می‌دهد به تصحیح تلفیقی یا اجتهادی دست بزند. در این موارد یک نسخه در ابتدا انتخاب می‌شود و بعد با توجه به نسخه‌بدل‌ها، شارح اجتهاد خود را به کار می‌گیرد و متن را تصحیح می‌کند؛ همان کاری که شفیعی‌کدکنی در اغلب آثار خود انجام می‌دهد و معمولاً هم در مقدمه به این مسأله اشاره می‌کند.

۹- بیان جایگاه ویژه متن ادبی در جامعه

بزرگ‌ترین طیف مخاطبان آثار ادبی، عموم مردم جامعه‌اند، اما همه آثار ادبی به یک اندازه مورد توجه جامعه قرار نمی‌گیرند. برخی آثار جایگاه خاصی نزد عموم مردم یافته‌اند و لازم است شارح در سرلوحه کار خود به علل و عوامل این مقبولیت بپردازد و ضمن اینکه طیف مخاطبان خود را روشن می‌کند، به ویژگی‌هایی که باعث توجه عموم مردم در طول زمان به چنین آثاری شده است اشاره کند. از جمله این آثار، دیوان حافظ، مثنوی معنوی، گلستان و بوستان سعدی و... هستند. چاپ‌های مکرر، شمارگان

زیاد نشر، تصحیح‌های مختلف (حتی وجود نسخه‌های فراوان در طول تاریخ)، همچنین وجود شرح و گزیده‌های متنوع با رویکردهای متفاوت، نشان‌دهنده توجه فراوان خوانندگان به این آثار است.

حسین هروی در مقدمه شرح *غزل‌های حافظ* می‌نویسد: از میان گویندگان فارسی، آنکه سخنش بیش از دیگران بر دل‌ها نفوذ داشته، به هنگام غم و شادی محرم راز فارسی‌زبانان بوده، هم‌اکنون نیز روزی نیست که شعر او را نخوانند یا به آهنگ موسیقی نشنوند، خواجه حافظ است. و از قول احمد منزوی متذکر می‌شود در میان شصت هزار نسخه خطی فارسی که او دیده، تعداد نسخه‌های خطی حافظ بیش از هر شاعر دیگر بوده است. حتی بعد از اختراع صنعت چاپ نیز، در میان کتب چاپی فارسی، دیوان حافظ همیشه درخشان‌ترین بوده است. یعنی حافظ از همان آغاز تا امروز بیش از هر شاعر دیگر مورد توجه بوده است (هروی، ۱۳۶۷: ۷).

۱۰- معرفی منابع تکمیلی

گروهی از محققان وقتی چاپ یا شرح جدیدی از یک اثر ارائه می‌دادند، در مقدمه به چاپ‌های پیشین اثر نیز اشاره می‌کردند و تلاش خود برای تهیه نسخه‌های اصیل‌تر را یادآوری می‌نمودند، گاهی هم منابع تحقیق در مورد اثر را متذکر می‌شدند، همچنان‌که گوهرین در مقدمه *منطق‌الطیر* با اشاره به اینکه این کتاب همیشه مورد توجه خاص و عام بوده است، می‌نویسد علاوه بر نسخه‌های متعدد خطی، چند نسخه چاپی هم از این کتاب تهیه شده است و به چهار مورد از آنها هم اشاره می‌کند (نک. عطار، ۱۳۸۳: بیست و دو و بیست و سه). مشکور نیز در مقدمه *منطق‌الطیر*، بخشی را با عنوان «منابع تحقیق در منطق‌الطیر» تهیه کرده و در آن منابعی را که در بردارنده اطلاعاتی در مورد عطار یا *منطق‌الطیر* است معرفی می‌کند (عطار، ۱۳۴۷: ۵۹). استعلامی هم در مقدمه کتاب درس *حافظ* علاوه بر اینکه به تصحیح‌های مختلف دیوان حافظ اشاره کرده است به معرفی آثار تحلیلی و تفسیری درباره حافظ و شعرش می‌پردازد (نک. استعلامی، ۱۳۸۶: ۶۲-۵۸).

۱۱- ارائه خلاصه‌ای از مباحث قسمت‌های مختلف اثر

امروزه برخی شارحان در مقدمه، به‌ویژه مقدمه آثار مفصل و پر حجم، خلاصه‌ای از مباحث کتابی را که شرح کرده‌اند و چگونگی تألیف آن را برای آشنایی اجمالی خواننده

مطرح می‌کنند. محمود عابدی در مقدمهٔ کشف‌المحجوب ذیل عنوان «متن و منابع کشف‌المحجوب»، از زبان مؤلف کتاب به بیان سبب تألیف آن، که براساس پرسش یکی از همشهریان و طالبان تصوف بوده است اشاره می‌کند و به تفصیل، ضمن معرفی یک ابواب کتاب به شرح مختصر مطالب هر باب و مباحث مهم آن می‌پردازد (نک. هجویری، ۱۳۸۶: سی و سه - سی و هشت). احمد خاتمی نیز در مقدمهٔ منطق‌الطیر، خلاصه‌ای از جریان داستانی کتاب و حوادث مهم آن را به اختصار ذکر می‌کند تا خواننده بداند چه می‌خواند و موضوع کتاب چیست؟ از کجا به کجا می‌رسد؟ و ... (عطار، ۱۳۷۵: ۴۵).

۱۲ - توضیح علائم اختصاری

از بخش‌هایی که در پایان بعضی مقدمه‌ها به آن اشاره می‌شود توضیح دادن دربارهٔ علائم اختصاری به کاررفته در متن و مقدمه است. شارح در آثار برگزیده معمولاً نشانی قسمت‌گزینش شده را در اصل کتاب به‌عنوان مأخذ ارائه می‌کند، ولی از آنجا که در بیشتر موارد آثار ادبی چندبخشی‌اند باید به توضیح نمادهای عددی در مقدمه پرداخت، مثلاً ۸/۳ می‌تواند نشان‌دهندهٔ صفحهٔ ۳ از بخش ۸ یا صفحهٔ ۸ از بخش ۳ باشد.

مهمترین مباحث در مقدمهٔ گزیده‌ها

با توجه به فراوانی شرح‌هایی که بر گزیده‌های متون ادبی نوشته می‌شوند و خوانندگان زیادی که به گزیده‌ها مراجعه می‌کنند، به دو موضوع مهمی که اختصاصاً باید در مقدمه‌های این نوع از شروح مورد بحث قرار گیرند، اشاره می‌کنیم. باید دانست که کیفیت مطالب مقدمه در آثار برگزیده تفاوت چندانی با شروح کامل ندارد، بیشتر بحث‌هایی که در مقدمهٔ شروح کامل مطرح می‌شوند، متناسب با اهداف شارح، می‌توانند در مقدمهٔ گزیده‌ها نیز مورد توجه قرار گیرند. مثلاً همان‌گونه که در مقدمهٔ شرح کامل، به معرفی نویسنده، شرح حال او و ویژگی‌های سبکی اثر مورد بررسی اشاره می‌شود، در مقدمهٔ گزیده‌ها نیز اغلب این مسأله مورد توجه قرار می‌گیرد. مثلاً گزینشگران تاریخ بیهقی در مقدمهٔ کتاب دیبای خسروانی به شیوه و سبک نویسندگی بیهقی اشاره کرده‌اند، که شیوه‌ای مختلط و التقاطی است، و این‌گونه توضیح داده‌اند که نثر او از جهتی پای در اصالت زبانی و سادگی و صراحت سبک پیشین دارد و از سویی نشانه‌هایی از تجدد و اطناب معمول در سبک دورهٔ بعد را در خود به نمایش می‌گذارد. پس از آن نیز به

ویژگی‌های سبکی دیگر این کتاب می‌پردازند که در دوره‌های بعد به شکل فراگیرتری دنبال شده‌اند (نک. یاحقی و سیدی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۲). اشاره به جایگاه اثر در مجموعه آثار ادبی، در مقدمه گزیده‌ها نیز به مانند شروح کامل اهمیت دارد. از آنجا که گزیده‌ها گاه مخاطبان خاصی دارند و اصولاً در بیشتر موارد عموم علاقه‌مندان به آثار ادبی و به‌ویژه دانشجویان دانشگاه‌ها از طریق مقدمه‌ها با شاهکارهای ادبی آشنا می‌شوند، بیان این مطلب در مقدمه گزیده‌ها می‌تواند مفید باشد. از میان آثار قدیمی، غلامحسین یوسفی در مقدمه کتاب *داستان رستم و سهراب*، ذیل بحث در باب اصالت *شاهنامه* و حسن روایت فردوسی از این داستان، به پژوهش یک محقق انگلیسی در تطبیق داستان‌هایی مشابه در ادب جهانی با همین درونمایه اشاره می‌کند و از قول او داستان فردوسی را کامل‌ترین نوع، از لحاظ ساختار داستان و روایت معرفی می‌نماید (نک. یوسفی، ۱۳۵۲: ۱۳-۱۶).

در سال‌های اخیر هم بخشی از مقدمه گزیده‌های «مجموعه ادب فارسی» که به ابتکار طراحان آن به دیدگاه‌های صاحب‌نظران ایرانی و غیرایرانی اختصاص یافته است و به دو بخش دیدگاه‌ها درباره نویسنده و درباره اثر مورد شرح می‌پردازد، اغلب حاوی نکات خوبی در نمایش اهمیت و جایگاه اثر در تاریخ ادبیات و نزد محققان بزرگ و منتقدان برجسته است. مثلاً در همین بخش از مقدمه *غمنامه رستم و سهراب* در کنار بررسی ساختار داستان از جهت متنی و مفهومی به ذکر داستان‌های مشابه این تراژدی در ادب جهانی با ذکر نمونه پرداخته می‌شود و به این طریق خواننده به اهمیت و جایگاه واقعی اثر آگاه می‌شود (نک. شعار و انوری، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۰). البته توجه به این نکته نیز ضروری است که آوردن دیدگاه‌های مختلف در مورد اثر، زمانی مفید خواهد بود که هم مطالب نقل‌شده مورد بررسی و نقد قرار گیرند و هم ترتیب تاریخی و سنخیت موضوعی مطالب طرح شده رعایت گردد، در غیر این صورت مجموعه این دیدگاه‌ها و نظرات که گاه یکدیگر را نقض می‌کنند مایه آشفتگی ذهن خوانندگان مبتدی و دانشجویانی خواهد بود که غالباً مخاطبان اصلی گزیده‌ها هستند (امامی، ۱۳۷۱: ۱۴).

با همه شباهت‌هایی که مقدمه‌های گزیده‌ها و شروح کامل با هم دارند، برخی ویژگی‌های خاص گزیده‌ها، آنها را از شروح کامل متمایز می‌کند، از این‌رو مباحث زیر لازم است در مقدمه گزیده‌ها مورد توجه قرار گیرد:

۱- بیان روش گزینش متن

بسیاری از شرح‌های منتشرشده دربرگیرنده همه متن یک اثر نیستند، بلکه شرح گزیده‌هایی از یک متن ادبی‌اند، در این‌گونه آثار، شارح گزینشگر باید در ابتدا مشخص کند که چه قسمت و چه نسبت از متن را برگزیده و معیار گزینش او چه بوده است. معیار گزینش گاه برجستگی و اهمیت آن بخش است، گاه انطباق آن با ضروریات و اهداف نویسنده، گاه نیز سهولت و روانی متن و آسان‌فهم بودن آن برای خواننده (سنگری، ۱۳۸۵: ۵۱). بیان شیوه گزینش از متن در مقدمه اهمیت زیادی دارد. با وجود این بیشتر گزیده‌های موجود از گذشته تا حال فاقد این توضیح‌اند. مثلاً شفیعی‌کدکنی در مقدمه گزیده غزلیات شمس آورده که از میان غزل‌های فراوان، غزل‌هایی و از میان غزل‌های بلند، ابیاتی را برگزیده است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۰)، ولی معلوم نیست کدام غزل‌ها، غزل‌های بلندی بودند که از میان آنها گزینش صورت گرفته است، زیرا خواننده وقتی در متن کتاب، غزل را می‌خواند هیچ نشانی از گزینش در میان آنها (مثلاً نقطه چین به جای ابیات حذف شده) نمی‌بیند.

گاهی شارح ترجیح می‌دهد به دلایلی از میان ابیات یک شعر یا از بین جملات و حکایات قسمتی که گزینش می‌کند چیزی را حذف نکند. جلال‌الدین کزازی در مقدمه کتاب *سراچه آوا* و رنگ می‌نویسد که به دلیل ترس از به‌هم‌خوردن ساختار ابیات و تسلسل مطالب، از بین اشعار، بیتی را حذف نکرده است به همین دلیل تعداد شعرها بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد (کزازی، ۱۳۷۶: ۷).

شارحان در گزینش متن و شرح روش خود به طرق گوناگون عمل می‌کنند، از جمله:

۱- گروهی به ذکر فرایند گزینش خود از میان یک اثر می‌پردازند تا انتخاب خود را به بهترین شکل توجیه کنند و نشان دهند قسمت‌های گزینش‌شده از بهترین بخش‌های متن اصلی‌اند و تصادفی انتخاب نشده‌اند. حسن انوری در مقدمه کتاب *صدای سخن عشق* با اشاره به سختی گزینش ۱۰۰ غزل از *دیوان حافظ*، چند مرحله را برای کار گزینش خود مطرح می‌کند؛ مثل استفاده از نظر شفیعی‌کدکنی، استفاده از نظر دانشجویان که براساس علاقه خود غزل‌هایی را مشخص کردند و همکاری چند تن از اساتید دیگر که هرکدام نظر خود را درباره ۱۰۰ تا ۱۵۰ غزل برگزیده حافظ، به نویسنده

داده بودند. در نهایت هم این مسأله را مطرح می‌کند که ۱۰۰ غزلی که در این کتاب آمده حاصل معدل‌گیری از نظر کسانی است که از آنها نام برده است (انوری، ۱۳۸۳: ۱۳).

۲- برخی به محدودهٔ گزینش اشاره می‌کنند. البته این مورد بستگی به نوع اثر دارد. مثلاً *شاهنامه* اثر عظیمی است و انتخاب از همهٔ بخش‌های آن با توجه به محدودیت حجم گزیده‌ها تقریباً ناممکن است. بنابراین منطقی است که شارح در مقدمه به محدودهٔ گزینش خود نیز اشاره کند. اسلامی ندوشن در مقدمهٔ کتاب *نامهٔ نامور* تأکید می‌کند که افزون از ثلث کتاب *شاهنامه* را در این گزیده آورده و وزن اصلی انتخاب را بر بخش نخست *شاهنامه* (دورهٔ اساطیری و باستانی) قرار داده است. هر جا هم که به علت حذف، رشتهٔ مطالب گسسته می‌شد دنبالهٔ داستان را به نثر روایت کرده است (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۳۹).

۳- گروهی دیگر نیز ضمن بیان منطقی خود در گزینش متن، ساختار کارشان را توضیح می‌دهند. در گزیدهٔ *تاریخ بیهقی* با عنوان *دیپای خسروانی*، نویسندگان به شکل گزینش خود از کتاب اشاره دارند و تأکید می‌کنند گزیده‌هایی که تاکنون از *تاریخ بیهقی* تهیه شده‌اند صبغهٔ ادبی دارند و در گزینش متن این کتاب کمتر به جنبه‌های تاریخی توجه شده است؛ در حالی که کتاب *بیهقی* وجه تاریخی قوی‌ای دارد به گونه‌ای که هرگز نمی‌توان از آن غافل ماند و لطف کار *بیهقی* به حقیقت در تلفیق تاریخ و ادبیات است، از این رو، در این گزیده تلاش شده است تا روح ادبی-تاریخی کتاب، حفظ شود. بر همین اساس در ادامه تصریح می‌کنند که در انتخاب بخش‌ها و پاره‌های هر بخش، هم جنبهٔ ادبی کار و هم جنبهٔ تاریخی آن را در نظر داشته‌اند و به همین دلیل توالی بخش‌ها در این گزیده نه براساس اصل کتاب *تاریخ بیهقی*، بلکه براساس ترتیب تاریخی مطالب تنظیم شده است (نک. یاحقی و سیدی، ۱۳۸۱: ۹ و ۱۰).

۲- بیان علت گزینش متن

همان‌طور که شارحان با اهداف و انگیزه‌های گوناگونی اقدام به شرح و تفسیر متن کامل آثار ادبی می‌کنند، در شرح و تفسیر گزیدهٔ آثار نیز اهدافشان متفاوت است. گاهی به دلیل حجم گستردهٔ اثر اصلی شارح دست به گزینش می‌زند تا خواننده راحت‌تر بتواند با اثر ارتباط برقرار کند. در مواردی هم به علت نبود گزیده‌ای مناسب برای استفادهٔ دانشجویان، متناسب با نیازهای آموزشی آنان، به تهیهٔ گزیده‌ای همراه با شرح متن اقدام می‌شود. رضا

انزایی‌نژاد در مقدمه گزیده کشف‌الاسرار با عنوان *نواخوان بزم صاحب‌دلان*، ضمن اشاره به گزیده محمد امین ریاحی از این اثر با عنوان *بگشای راز عشق* در مجموعه انتشارات سخن، با استناد به قول ایشان مبنی بر اینکه این گزیده برای استفاده همگان و عموم مردم نوشته شده، آن را خالی از مباحث مورد نیاز دانشجویان چون مقولات ادبی، زبانی، لغوی، دستوری و... می‌داند و با هدف تهیه کتابی که پاسخ‌گوی درس کشف‌الاسرار دانشجویان باشد اقدام به نشر این گزیده می‌کند (انزایی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۱).

ویژگی‌های یک مقدمه مطلوب

آنچه که در قسمت پیشین این نوشتار آورده شد، مهمترین مباحث مقدمه‌ها بود که از استقصا در شرح‌های متون ادبی به دست آمد. هرکدام از این شرح‌ها تعدادی از آن مباحث را در خود جا داده‌اند و مجموعه آنها می‌تواند یک مقدمه جامع را رقم بزند. اما مقدمه مطلوب در شرح متون ادبی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ مقدمه مطلوب، مقدمه‌ای است که موارد زیر در نگارش آن مد نظر قرار گیرد:

- ۱- مطالب آن متناسب با نوع اثر، اهداف شرح و نوع مخاطب و در جهت فهم متن ادبی و چگونگی استفاده بهتر از شرح عرضه شود.
- ۲- مقدمه باید برانگیزاننده باشد به طوری که خواننده را به مطالعه متن ادبی و شرح آن ترغیب و تشویق کند.
- ۳- مقدمه افق‌های تازه‌ای را برای فهم اثر و شناخت آفریننده آن در پیش روی خواننده بگشاید و زمینه‌ساز فعالیت او برای خوانش‌های تازه از متن گردد.
- ۴- مقدمه مخاطب‌مدار باشد، یعنی شارح توجه داشته باشد که برای چه گروهی از مخاطبان شرح می‌نویسد تا در ارائه اطلاعات مربوط به متن ادبی متناسب با نیاز آنان عمل کند.
- ۵- مطالب مقدمه از نظم و انسجام منطقی برخوردار باشد.
- ۶- مباحث مقدمه مستدل یا مستند باشد و در نقل مطالب، امانت رعایت شود. این کار به‌ویژه در شرح‌های آموزشی می‌تواند موجب رواج اصول اخلاقی پژوهش در بین خوانندگان گردد.

- ۷- حجم مقدمه متناسب با اثر باشد. مقدمه‌های بسیار مفصل که گاه حجم آنها از ذی‌المقدمه (شرح) بیشتر است، خواننده را خسته و نسبت به ادامه مطالعه بی‌ربط می‌کند. همچنین بی‌توجهی به مقدمه‌نویسی و یا نوشتن مقدمه‌های بسیار کوتاه، ممکن است خواننده را از دانستن مطالب ضروری و مورد نیاز محروم کند.
- ۸- مقدمه حاصل اطلاعات طبقه‌بندی و گزینش‌شده شارح باشد، نه مجموعه دانش و اطلاعات گردآوری‌شده گذشته و حال او که بدون بازنگری و اولویت‌بندی ارائه شده‌اند.
- ۹- زبان مقدمه، زبان علمی، رسا و روان، بدون پیچیدگی و عبارت‌پردازی باشد.

نتیجه‌گیری

مقدمه از مهمترین بخش‌هایی است که همواره مورد توجه شارحان متون ادبی قرار داشته است. به تناسب تغییر و تحول شیوه‌های شرح‌نویسی در یکصدسال گذشته و تنوع سطح شروح، مقدمه‌های گوناگون و متفاوتی نیز به وجود آمده‌اند.

جریان مقدمه‌نویسی که در پی رواج سنت شرح‌نویسی رونق گرفت در ابتدا بیشتر بر ارائه اطلاعات زندگی‌نامه‌ای درباره خالق اثر و مباحث نسخه‌شناختی متمرکز بود، اما به تدریج و در طول سال‌ها با ظهور شارحان مختلف و تنوع یافتن سطح خوانندگان، از دانشگاهیان و اقشار فرهیخته و متخصص تا افراد عام جامعه، مباحث متنوع‌تری وارد مقدمه‌ها شدند. مباحثی چون معرفی ویژگی‌های سبکی اثر، توضیح درباره واژگان و تعبیری که معانی خاصی نزد صاحب اثر داشته‌اند، اشاره به جایگاه ویژه اثر در جامعه، بیان روش گزینش از متن در گزیده‌ها، شیوه شرح‌نویسی و هدف از تدوین شرح و ... به علاوه، برخی مباحث هم که در ابتدا اهمیت زیادی داشتند اکنون به دلایل گوناگون به تدریج از اهمیتشان کاسته شده است، مثلاً امروزه به دلیل آنکه اکثر شروح بر پایه نسخه تصحیح‌شده پیشینیان تدوین می‌شوند، در مقدمه آنها کمتر به مباحث نسخه‌شناسی و معرفی نسخه‌ها اشاره می‌شود؛ در عوض مسائل مهم‌تری وارد مقدمه‌ها شده است که خواننده را در شناخت بهتر نویسنده یا شاعر، اوضاع و احوال عصر و دوره زندگی او، خصوصیات اثر ادبی، هدف از تدوین شرح و شیوه شرح‌نویسی یاری می‌کند. از سوی دیگر، با رواج نوع دیگری از شرح، به شکل گزیده، چه با عنوان گزیده آموزشی و چه غیر

آن، مباحث ویژه این نوع از شرح، چون بیان هدف از گزینش متن، شیوه گزینش، فرآیند گزینش و... نیز به مقدمه این آثار افزوده شده است.

درواقع مقدمه‌ها واسطه‌ای میان خواننده، نویسنده و متن ادبی به شمار می‌روند. مهمترین کارکرد مقدمه‌ها نیز عبارت‌اند از: ۱- شناساندن اثر ادبی و خالق آن به خواننده ۲- راهنمایی خواننده در انتخاب اثر مناسب ۳- روشن شدن سطح انتظار از هر اثر ۴- نمایش اهمیت کار شارح و ارزش اثر. در صورتی که در نگارش مقدمه شرح‌ها اصول مقدمه‌نویسی رعایت شود، چنین مقدمه‌ای می‌تواند مخاطبان را برانگیزاند و از آنان خوانندگانی پویا و کاوشگر بسازد و فهم متن را برایشان آسان‌تر کند. درواقع مقدمه‌های مطلوب در شرح‌های متون ادبی مقدمه‌هایی‌اند که متناسب با نوع اثر، سطح دانش مخاطب و اهداف شرح، مطالب مورد نیاز خوانندگان را در حجمی مناسب، به صورت مستدل و مستند، در ساختاری منسجم ارائه نمایند.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۲)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز. استعلامی، محمد (۱۳۸۶)، *درس حافظ*، تهران: سخن. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۰)، *نامه نامور*، تهران: سخن. امامی، نصرالله (۱۳۷۱)، «گزیده‌پردازی»، نشر دانش، سال ۱۲، شماره ۵، ص ۱۴-۱۰. انزایی‌نژاد، رضا (۱۳۸۱)، *نواخوان بزم صاحب‌دلان*، تهران: جامی. انوری، حسن (۱۳۸۳)، *صدای سخن عشق*، تهران: سخن. انوشه، حسن (۱۳۷۶)، *دانشنامه ادب فارسی*، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اویسی، معصومه (۱۳۸۳)، *بررسی دیباچه‌های متون منشور از قرون اولیه تا قرن ۸*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه. باقری، بهادر (۱۳۸۷)، *فرهنگ شرح‌های حافظ*، تهران: امیرکبیر. بلخی، قاضی حمیدالدین (۱۳۷۲)، *مقامات حمیدی*، به کوشش رضا انزایی‌نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۵)، *گمشده لب دریا*، تهران: سخن. تهبانوی، محمد بن علی (۱۸۶۲م)، *کشاف اصطلاحات الفنون*، کلکته (افست: استانبول، دار قهرمان، ۱۹۸۴م). جعفری، محمدتقی (۱۳۴۹)، *تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی*، ج ۱، تهران: اندیشه اسلامی.

- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشا*، به کوشش محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۷)، *حافظ‌نامه*، تهران: علمی و فرهنگی.
- زمانی، کریم (۱۳۸۴)، *شرح جامع مثنوی*، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸)، *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، تهران: نشر علم.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۲۹)، *بوستان*، به کوشش عبدالعظیم قریب، تهران: مجلس.
- _____ (۱۳۶۸)، *بوستان*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۷۸)، *بوستان*، به کوشش رضا انزایی‌نژاد و سعید قرابگلو، تهران: جامی.
- _____ (۱۳۸۱)، *گلستان*، به کوشش محمد خزائلی، تهران: بدرقه جاویدان.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «گزیده‌نویسی، کاستی‌ها، بایسته‌ها»، *نامه علوم انسانی*، شماره ۱۴، ص ۵۴-۵۶.
- شجری، رضا (۱۳۸۶)، *سیری در شروح مثنوی*، تهران: امیرکبیر.
- شعار، جعفر و حسن انوری (۱۳۸۲)، *غم‌نامه رستم و سهراب*، تهران: قطره.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، *گزیده غزلیات شمس*، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۸)، *زبور پارسی*، تهران: آگه.
- _____ (۱۳۸۷)، *غزلیات شمس تبریز*، تهران: سخن.
- عطاری، فریدالدین (۱۳۴۷)، *منطق‌الطیر*، به کوشش محمدجواد مشکور، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
- _____ (۱۳۷۵)، *منطق‌الطیر*، به کوشش احمد خاتمی، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۳)، *منطق‌الطیر*، به کوشش صادق گوهرین، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۵)، *منطق‌الطیر*، به کوشش محمدرضا شفیی‌کدکنی، تهران: سخن.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر ارزیابی گزیده‌های درسی»، *نامه علوم انسانی*، شماره ۱۴، ص ۱۰-۷.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۷۱)، *شرح مثنوی شریف*، تهران: زوار.
- قشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، *رساله قشیریه*، تصحیح و تعلیقات از بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.
- کر، احمد (۱۳۷۹)، *بررسی دیباچه و مقدمه متون نثر قرن ۴ تا ۱۰*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کزازی، جلال‌الدین (۱۳۷۶)، *سراچه آوا و رنگ*، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۵)، *نامه باستان*، ج ۱، تهران: سمت.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۹)، *مثنوی معنوی*، به اهتمام محمد استعلامی، تهران: سخن.
- مهرنگ، منصور (۱۳۸۵)، *شرح بوستان*، تهران: داستان.

- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۰۵)، *دیوان اشعار به انضمام روشنائی‌نامه، سعادت‌نامه و ...*، به کوشش مجتبی مینوی، با تعلیقات دهخدا و مقدمه حسن تقی‌زاده، تهران: دنیای کتاب.
- نظامی عروضی (۱۳۲۸ق)، *چهارمقاله*، به کوشش محمد قزوینی، تهران: اشراقی.
- نظامی گنجوی (۱۳۸۲)، *مخزن‌الاسرار، تصحیح و حواشی از حسن وحید دستگردی* (به کوشش سعید حمیدیان)، تهران: قطره.
- هجویری، محمود (۱۳۸۶)، *کشف‌المحجوب*، به اهتمام محمود عابدی، تهران: سروش.
- هروی، حسین (۱۳۶۷)، *شرح غزل‌های حافظ*، تهران: نشر نو.
- یاحقی، محمدجعفر و مهدی سیدی (۱۳۸۱)، *دیبای خسروانی*، تهران: جامی.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۲)، *داستان رستم و سهراب*، تهران: بنیاد شاهنامه.